

بررسی رابطه بین تخصص تیم مدیریت و مدیریت واقعی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

سید احسان احمدی^۱، علی میر^۲

^۱ کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، خرم آباد، ایران.

^۲ گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، خرم آباد، ایران.

نام نویسنده مسئول:

سید احسان احمدی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۱۸

چکیده

گزارش های مالی، از مهم ترین فرآورده های سیستم حسابداری است که از اهداف عمده ی آن، فراهم آوردن اطلاعات لازم برای ارزیابی عملکرد و توانایی سود آوری بنگاه اقتصادی است مسئولیت نهایی صورتهای مالی با هیئت مدیره یا مدیریت شرکت می باشد؛ در این راستا هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین تخصص تیم مدیریت و مدیریت واقعی سود می باشد. جامعه ی آماری پژوهش حاضر، شامل ۱۴۱ شرکت است که برای دوره ی زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ بوده است برای آزمون فرضیات از نرم افزار ایویوز استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیات نشان می دهد که بین تخصص تیم مدیریت و مدیریت واقعی سود ارتباط معکوس و معنادار وجود دارد.

واژگان کلیدی: تخصص تیم مدیریت، مدیریت واقعی سود.

مقدمه

یکی از اهداف گزارشگری مالی، ارائه ی اطلاعاتی است که برای سرمایه گذاران، اعتبار دهندگان و دیگر کاربران فعلی و بالقوه در تصمیم گیری های مربوط به سرمایه گذاری و اعتباردهی و سایر تصمیم ها، سودمند باشد. یکی از معیارهای مهمی که گروههای مزبور برای برآورد قدرت سودآوری شرکت، پیش بینی سودهای آینده و ریسک های مربوط به آن و همچنین ارزیابی عملکرد مدیریت استفاده می کنند، سودهای جاری و گذشته شرکت است. سود نیز خود متشکل از اقلام نقدی و تعهدی است و اقلام تعهدی سود تا حدود زیادی در کنترل مدیریت هستند و وی می تواند برای بهتر جلوه دادن عملکرد شرکت و افزایش قابلیت پیش بینی سود های آینده در اقلام تعهدی سود دست برده و به اصطلاح سود را مدیریت کند. به بیان دیگر، مدیران تلاش می کنند تا با انتخاب روش های مجاز حسابداری، نتایجی قابل پیش بینی و ثابت خلق کنند. زیرا، اغلب سرمایه گذاران و مدیران اعتقاد دارند شرکت هایی که روند سودآوری مناسبی دارند و سود آنها دچار تغییرات عمده نمی شود نسبت به شرکت های مشابه، ارزش بیشتر و قابلیت پیش بینی و مقایسه ای بیشتری دارند. از سوی دیگر، با توجه به تئوری نمایندگی مدیران می توانند از انگیزه ی لازم برای دستکاری سود به منظور حداکثر کردن منافع خود برخوردار باشند سود واحد تجاری یکی از اقلام صورت های مالی است که از اهمیت خاصی برای کلیه استفاده کنندگان برخوردار است. در بیانیه شماره ۱ از مفاهیم حسابداری مالی گفته می شود که «تأکید گزارش های مالی بر روی اطلاعاتی است که درباره عملکرد شرکت است که از مجرای محاسبه سود و اجزای تشکیل دهنده آن، ارائه می گردد».

مدیریت یا دستکاری سود، اغلب به عنوان گزارش نادرست سطح عملکرد اقتصادی شرکت توسط افراد درون سازمان (به ویژه مدیریت) تعریف میشود. که با هدف گمراه کردن ذینفعان یا تاثیر گذاری بر پیامدهای قراردادی (نتایج قراردادهای مبتنی بر ارقام حسابداری گزارش شده) صورت میگیرد. (هیلی و والن، ۱۹۹۹) بطور کلی «مدیریت سود» اثر گذاری بر سود شرکت، به نحوی که منابع و خواسته های شرکت و مدیران آن را بر آورده نماید، تعریف می شود. در ارتباط با ابزار مورد استفاده برای مدیریت سود میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف) دستکاری اقلام تعهدی اختیاری که تاثیر مستقیمی بر جریان نقد ندارند، بعنوان نمونه می توان به عدم تحقق شرایط استقراض و تغییر در میزان هزینه مطالبات مشکوک الوصول و همچنین تاخیر در کنار گذاشتن دارایی های ثابتی که عمر آنها پایان یافته، اشاره کرد. ب) دستکاری رویدادهای مالی واقعی که باعث تغییر در جریان نقد و حتی در بعضی موارد باعث تغییر یافت اقلام تعهدی می شود. مانند کاهش دادن هزینه های تبلیغاتی به منظور بالا بودن سود، شتاب و تسریع در انجام فروش، تغییر در برنامه های ارسال کالا، هزینه های تحقیق و توسعه، تاخیر در شناسایی هزینه نگهداری، تخفیفات نقدی فروش، هزینه های عمومی اداری و فروش، هزینه های باز آموزی و هزینه های حمل و نقل می باشد. ج) روش بالقوه سومی هم وجود دارد که بوسیله طبقه بندی گمراه کننده اقلام صورت سود و زیان (تغییر طبقه بندی) انجام می شود. در این روش بدون آنکه سود خالص شرکت تغییر کند، تنها با استفاده از جابجایی هزینه های عملیاتی با اقلام غیر عملیاتی و خاص، سود عملیاتی یا سود اصلی شرکت مورد دستکاری قرار می گیرد. مدیریت سود که اغلب از طریق اقلام تعهدی اختیاری یا دستکاری فعالیتهای واقعی صورت میپذیرد، میتواند منجر به کاهش کیفیت گزارشگری مالی گردد. از طرفی، قوانین و نظارتهای حاکم بر بازار سرمایه، به عنوان یکی از عناصر برون سازمانی است که میتواند کیفیت گزارشگری مالی و رفتارهایی نظیر مدیریت سود را متاثر سازد. به طوریکه انتظار می رود در پی تشدید نظارتهای قانونی بر افشا و گزارشگری شرکتها حداقل مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی کاهش یابد.

در تحقیقات پیشین معیارهای ارزیابی عملکرد مالی شرکتها در انواع سیاست های مدیریت سود در طی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ در غالب معیارهای نسبت آنی، گردش مجموع دارایی ها، نسبت بدهی، بازده دارایی، بازده حقوق صاحبان سهام، سود هر سهم و نسبت قیمت بازار هر سهم به سود هر سهم در سیاستهای مختلف مدیریت سود اعم از؛ رویکرد مدیریت سود محافظه کارانه، رویکرد مدیریت سود معمولی و رویکرد مدیریت سود متعادلانه مورد بررسی قرار گرفته شده است. در این راستا نتایج تحلیل های مقایسه ای از این معیارها با توجه به نوع رویکرد مدیریت سود شرکتها نشان می دهد میزان رقم هر یک از این معیارهای ارزیابی عملکرد مالی در سیاست های مختلف مدیریت سود به طور معناداری متفاوت است و این تفاوت در طی دوره تحقیق از ثبات قابل توجهی برخوردار بوده است. (مسعودنیا، ۱۳۹۳)

به علاوه ویژگی های کیفی اطلاعات مالی باعث می شود که شرکت ها اطلاعات مالی را به صورت صحیح و بدون دستکاری به استفاده کنندگان برسانند و همچنین افشای بیشتر اطلاعات سبب می شود که استفاده کنندگان از اطلاعات مالی با آگاهی کامل تصمیم گیری کنند و مجبور نباشند هزینه های بیشتری برای افشای اطلاعات بپردازند. مدیریت سود زمانی رخ میدهد که مدیران یا از اختیارات گزارشگری خود و یا از نفوذ و تاثیرگذاری خود بر تصمیمات عملیاتی، سرمایه گذاری و تأمین مالی استفاده میکنند تا شرکت را در نظر سرمایه گذاران و بازار سرمایه با ثبات و پویا نشان دهند، این درحالی است که سرمایه گذاران و ذی نفعان از گزارشات صورتهای مالی و همچنین از پیش

بینی های سود شرکت استفاده میکنند، که در نتیجه باعث گمراهی آنان خواهد شد. توسعه بنگاه های اقتصادی در کنار پیچیده تر شدن معاملات تجاری و فرآیند تصمیم گیری باعث شده تا مسائل و مشکلات بازار ها در رابطه با افشای اطلاعات مالی و غیر مالی تاثیرگذار بر مدیریت سود مورد بحث و بررسی قرار گیرد. (بذرافشان، ۲۰۱۵)

در همین راستا هدف از انجام تحقیق بررسی رابطه بین تخصص تیم مدیریت و مدیریت واقعی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد.

پیشینه تحقیق

پژوهش های خارجی

اوگاستین ۱ (۲۰۱۴) در پژوهش خود با عنوان «دوره تصدی حسابر، حسابر مستقل و مدیریت سود» به این نتیجه رسید که دوره تصدی حسابر و حسابر مستقل تأثیر قابل توجهی بر میزان اقلام تعهدی دارد.

آبرنادی و همکاران ۱ (۲۰۱۴) در تحقیق خود در بررسی رابطه بین محدودیت های مدیریت سود و تغییر طبقه بندی به این نتیجه رسیدند که وقتی که مدیریت واقعی سود توسط وضعیت مالی ضعیف، سطح بالای مالکیت نهادی و قیمت پایین سهام بازار شرکت محدود شده باشد، مدیران به احتمال زیاد به تغییر طبقه بندی روی می آورند. همچنین، وقتی که اقلام تعهدی مدیریت سود با سیستم حسابداری با انعطاف پایین و تهیه جریان نقدی پیش بینی شده محدود شده باشند، مدیران با احتمال بیشتر از تغییر طبقه بندی استفاده می کنند.

ژانگ (۲۰۱۴) به بررسی رابطه کیفیت حسابر و مدیریت سود واقعی پرداخت و به این نتیجه رسید که افزایش کیفیت حسابر موجب افزایش سطح مدیریت سود واقعی می شود.

نوریامان (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر مدیریت سود بر بازده سهام و نقش کیفیت حسابر به عنوان متغیر میانجی (تعديل گر)» به این نتیجه رسید مدیریت سود تأثیر منفی بر بازده سهام دارد و کیفیت حسابر رابطه منفی مدیریت سود با بازده سهام را تقویت می کند به عبارت دیگر، رابطه منفی مدیریت سود با بازده سهام برای شرکت های حسابر شده توسط چهار موسسه بزرگ حسابر در مقایسه با شرکت های حسابر شده توسط سایر مؤسسات حسابر بیشتر است.

اشیوگلو و همکاران ۱ (۲۰۱۱)، برای بررسی تأثیر مدیریت سود بر نقدشوندگی بازار از سه معیار برای ارزیابی مدیریت سود استفاده کرده اند که یکی از معیارها اقلام تعهدی است و دو معیار دیگر مربوط به معیارهای مدیریت سود واقعی هستند که شامل جریان های نقد عملیاتی و هزینه های اختیاری است و برای ارزیابی نقد شوندگی بازار نیز از معیار عدم نقدشوندگی آمیهود و معیار کی وی ۲ استفاده کردند؛ طبق نتایج بدست آمده، مدیریت سود مبتنی بر هزینه های اختیاری غیرعادی با معیار عدم نقدشوندگی رابطه مستقیمی داشت.

بوکیت و اسکندر (۲۰۰۹)، در پژوهشی این موضوع را بررسی کردند که آیا مازاد جریان وجوه نقد بالا با مدیریت سود رابطه دارد یا نه؟ آن ها در پژوهش خود فرض کردند که مدیران شرکت های دارای مازاد جریان وجوه نقد آزاد بالا انگیزه درگیر در فعالیت های مدیریت سود را دارند. باین وجود، زمانی که کمیته حسابر مستقل تر است مدیریت سود کمتر به وقوع می پیوندد. آن ها در پژوهش خود نشان دادند که کمیته حسابر مستقل به شرکت های دارای مازاد جریان وجوه نقد آزاد بالا کمک می کند تا فعالیت های مدیریت سود که باعث افزایش سود می شود، را کاهش دهند.

کین چن و دیگران (۲۰۰۸) در مقاله ای با عنوان «مجموعه فرصت های سرمایه گذاری و مدیریت سود: شواهدی از نقش کنترل سهامداران» انگیزه و تأثیرات کنترل سهامدارن بر روی رابطه بین مجموعه فرصت سرمایه گذاری و مدیریت سود در تایوان را بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که شرکت های با فرصت سرمایه گذاری بالا بیشتر تمایل دارند که اقدام به مدیریت سود نمایند. همچنین متغیر کنترل سهامداران - که به وسیله صورت جریان وجوه نقد اندازه گیری گردید- با احتمال پایین تر مدیریت سود مرتبط است.

چانگ و همکاران ۳ (۲۰۰۹)، در پژوهشی با عنوان «آیا شیوه های مدیریت سود شرکت ها، بر نقدشوندگی حقوق صاحبان سهام تأثیر می گذارد؟» رابطه بین مدیریت سود و نقدشوندگی را بررسی کردند. نتایج پژوهش آن ها نشان داد شرکت هایی که مدیریت سود بیش تری دارند از نقدشوندگی پایین تری برخوردار می باشند.

پژوهش های داخلی

بختکی (۱۳۹۴)، جامعه آماری این تحقیق ۳۶۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. هدف این تحقیق این است که به سرمایه گذاران و سایر ذینفعان اطلاعات مالی که در تصمیمات خود بر صورت سود و زیان اتکا می کنند، نشان دهد که آیا در جامعه آماری موردنظر مدیریت سود از طریق جابه جایی اقلام صورت سود و زیان رخ می دهد. نتایج نشان می دهد که مدیریت سود از طریق جابه جایی اقلام صورت سود و زیان، فرضیه قابل تأیید نمی باشد.

ولی زاده لاریجانی (۱۳۹۳)، جامعه آماری این تحقیق شرکت های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ است. هدف، بررسی تأثیر مدیریت سود از طریق فعالیت های واقعی بر عملکرد عملیاتی آتی است. مدیریت سود از طریق فعالیت های واقعی با استفاده از معیارهای کاهش هزینه های اداری، عمومی و فروش، افزایش سود غیرعملیاتی حاصل از فروش دارایی های بلندمدت و تولید بیش از حد شناسایی گردید. عملکرد عملیاتی با استفاده از بازده دارایی ها و جریان های نقدی عملیاتی سنجیده شد. نتایج نشان داد که بین عملکرد عملیاتی آتی و مدیریت سود از طریق فعالیت های واقعی رابطه معناداری وجود ندارد.

نمازی و دیگران (۱۳۹۰) در مقاله ای با عنوان «بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» به بررسی رابطه بین دو متغیر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. ایشان جهت تعیین کیفیت حسابرسی از دو معیار اندازه حسابرسی و دوره تصدی حسابرسی و به منظور محاسبه مدیریت سود از مدل تعدیل شده جونز استفاده کردند. یافته های پژوهش نشان داد که در حالت کلی یک رابطه مثبت و ضعیف بین معیارهای اندازه حسابرسی (حسن شهرت حسابرسی) و دوره تصدی حسابرسی و مدیریت سود وجود دارد، ولی این رابطه از لحاظ آماری معنی دار نمی باشد. به دلیل وجود مشکل هم خطی در مدل کلی، رابطه بین متغیرها به صورت جداگانه بررسی شده است. نتایج نشان داد که بین مدیریت سود و اندازه حسابرسی، یک رابطه مثبت ولی غیر معنی دار و بین مدیریت سود و دوره تصدی حسابرسی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. حقیقت و بختیاری (۱۳۹۰) موضوع بررسی محتوای اطلاعاتی افزاینده اقلام تعهدی خلاف قاعده در مقایسه با جریان های نقدی عملیاتی را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج پژوهش آن ها، حاکی از وجود اقلام تعهدی خلاف قاعده تنها در رویکرد کل اقلام تعهدی است. همچنین در رویکرد کل اقلام تعهدی، جریان های نقدی عملیاتی، توان توضیحی اقلام تعهدی غیرعادی در بازده آتی سهام را کاهش نمی دهد.

احمدپور و منتظری (۱۳۹۰) به بررسی انگیزه مدیران از مدیریت سود پرداختند و تأثیر اندازه شرکت، ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر گرایش مدیران در انتخاب نوع مدیریت سود (مدیریت سود کارا و مدیریت سود فرصت طلبانه) را بررسی کردند. نتایج به دست آمده حکایت به کارگیری مدیریت سود کارا داشت آن ها همچنین بیان داشتند اندازه شرکت و مالکان خانوادگی دو عاملی هستند که بر گرایش مدیران در انتخاب نوع مدیریت سود تأثیر گذارند.

مشایخی و محمدآبادی (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی رابطه مکانیزم های حاکمیت شرکتی و کیفیت سود حسابداری پرداختند. آن ها در پژوهش خود، کیفیت اقلام تعهدی، پایداری سود و توان پیش بینی آن را به عنوان سنجه های کیفیت سود و دوگانگی مسئولیت ها، نسبت مدیران غیرموظف هیات مدیره و تعداد جلسات آن را به عنوان شاخصه های حاکمیت شرکتی مدنظر قرار داده اند. یافته های پژوهش نشان می دهد که با بیشتر شدن تعداد جلسات هیات مدیره و افزایش حضور مدیران غیرموظف در آن، کیفیت (پایداری و توان پیش بینی) سود حسابداری افزایش یافته است. این در حالی است که بین تفکیک مسئولیت های مدیرعامل و رئیس هیات مدیره از یکدیگر و کیفیت (پایداری و توان پیش بینی) سود رابطه معنی داری وجود دارد. یافته های تحقیق حاکی از نبود رابطه معنی دار بین کیفیت اقلام تعهدی، به عنوان یکی از سنجه های کیفیت سود، با مکانیزم های حاکمیت شرکتی موردبررسی است.

جبار زاده لنگر لویی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش تحت عنوان «بررسی رابطه مدیریت سود شرکت های گروه (تلفیقی) با بازده سهام شرکت اصلی در بورس اوراق بهادار تهران» به این نتیجه رسیدند که رابطه ضعیف و معکوس ولی معنی بین مدیریت سود شرکت های گروه (تلفیقی) با بازده سهام شرکت اصلی وجود دارد.

هاشمی و کمالی (۱۳۸۹)، در بررسی تأثیر افزایش تدریجی اهرم مالی، میزان جریان نقدی آزاد و رشد شرکت بر مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه رسیدند که میزان مدیریت سود در شرکت هایی که همواره درجه اهرم مالی زیادی دارند با شرکت هایی که به تدریج درگیر افزایش اهرم مالی می شوند تفاوت معنی داری ندارد و همچنین جریان نقد آزاد و رشد شرکت عواملی تأثیرگذار در میزان رفتارهای فرصت طلبانه مدیران هستند که در میزان مدیریت سود تأثیرگذار بوده است.

کردلر و حسنی آذر داریانی (۱۳۸۸) به واسطه انجام تحقیقی «بررسی مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام به عموم در شرکت های تازه پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران» بر روی ۹۱ شرکت عرضه کننده سهام برای اولین بار در بورس اوراق بهادار تهران بین سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ دلیل ارزان فروشی سهام و افت عملکرد قیمت سهام IPO را کارایی اطلاعاتی ضعیف بازار سرمایه ایران

دانسته‌اند، زیرا دسترسی به اطلاعات مربوط به شرکت‌ها و عملکرد آن دشوار است، لذا سرمایه‌گذاران از دانش و بینش کافی برای تحلیل اطلاعات برخوردار نمی‌باشند؛ این محققان ریشه‌ی اصلی اینگونه مشکلات در بازار سرمایه‌ی کشور را وجود سهام‌داران عمده اعم از نهادها، سازمان‌های وابسته به دولت و بانک‌ها، در بازار می‌دانند.

مشایخی و دیگران (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان « نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران » ارتباط بین اقلام تعهدی اختیاری و وجوه نقد حاصل از عملیات را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که در شرکت‌های مورد مطالعه در این تحقیق مدیریت سود اعمال شده است. در واقع مدیریت این شرکت‌ها، به هنگام کاهش وجوه نقد حاصل از عملیات که بیانگر عملکرد ضعیف واحد تجاری بوده است، به منظور جبران این موضوع اقدام به افزایش سود از طریق افزایش اقلام تعهدی اختیاری کرده است.

فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی: بین تخصص تیم مدیریت و مدیریت واقعی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط وجود دارد.

فرضیه فرعی:

فرضیه فرعی اول: بین درصد اعضای دارای مدرک کارشناسی ارشد و مدیریت واقعی سود ارتباط وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم: بین درصد اعضای هسته اصلی و مدیریت واقعی سود ارتباط وجود دارد.

فرضیه فرعی سوم: بین درصد اعضای عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و مدیریت واقعی سود ارتباط وجود دارد.

روش تحقیق

کلیدی پژوهش‌های علمی بر دو مبنای الف) هدف و ب) ماهیت و روش طبقه بندی می‌شوند. پژوهش‌های علمی بر مبنای هدف، خود در سه دسته پژوهش‌های بنیادی، کاربردی و علمی قرار می‌گیرد. همچنین بر مبنای ماهیت و روش، پژوهش‌های علمی را می‌توان در پنج گروه تاریخی، توصیفی، همبستگی، علی و تجربی/ شبه تجربی قرار داد. این پژوهش در حوزه پژوهشات اثباتی مالی قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه از اطلاعات تاریخی در آزمون فرضیات آن استفاده شده است، در گروه پژوهشات شبه آزمایشی طبقه بندی می‌گردد. همچنین از آن جا که هدف از این پژوهش بررسی بررسی تاثیر مدیریت سود و میزان افشا بر عملکرد واقعی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، با توجه به ماهیت روشی که در این پژوهش استفاده می‌شود، نوعی پژوهش توصیفی- همبستگی به شمار می‌رود. این پژوهش به لحاظ معرفت شناسی، از نوع تجربه گرا، سیستم استدلال آن، استقرایی و از جهت نوع مطالعه آرشویی می‌باشد. علاوه بر این، به لحاظ تحلیل آماری، این پژوهش از رگرسیون‌های ترکیبی استفاده خواهد نمود.

متغیرهای تحقیق

مدل تحقیق

$$SIZE_{it} + \gamma SGF + \alpha_6 ADNI_{it} + \alpha_5 OPCY_{it} + \alpha_4 PCPA_{it} + \alpha_3 CORE_{it} + \alpha_2 PMS_{it} + \alpha_1 REM = \alpha + \epsilon_{it} + \gamma BIG + \gamma BM_{it} + \alpha_{10} CR_{it} + \alpha_9 LEV_{it} + \alpha_8 \alpha$$

متغیرهای تحقیق و نحوه اندازه گیری متغیرها:

متغیر وابسته:

R_RM: همان REM (کاهش موثر هزینه ها) که با استفاده سه مدل اندازه گیری می شود: که از مدل تعدیل شده جونز استفاده

شده است

مدل اول: گردش وجه نقد غیر عادی

CFOt: گردش وجه نقدی عملیاتی

St: فروش

ΔST: تغییرات فروش

دارایی های سال قبل: At-1

مدل دوم: هزینه های تولید غیر عادی

PRODt: کل هزینه کالای فروخته شده

مدل سوم: کاهش غیرعادی هزینه ها

متغیر مستقل:

TMT (تخصص تیم مدیریت): کامور و همکاران (۲۰۰۹) با استفاده از سه معیار تخصص تیم مدیریت را اندازه گیری کرده اند:

مدرک کارشناسی ارشد اعضای تیم مدیریت (PMS)

تعداد اعضای مدیریت هسته اصلی و کاربردی که در زمینه عملیات -تولید،تحقیق و بازار یابی مشغول هستند.

(CORE)

اعضای جامعه حسابداران رسمی (PCPA)

نحوه محاسبه درصدهای سه معیار تیم تخصصی مدیریت :

مدیریت (%PMS):

تعداد اعضای دارای مدرک کارشناسی ارشد تیم مدیریت (Σ PMS)

$$100 \times \frac{\text{تعداد اعضای تیم مدیریت (Σ TMT)}}{\text{تعداد اعضای تیم دارای مدرک کارشناسی ارشد}} =$$

تعداد اعضای تیم مدیریت (Σ TMT)

مدیریت (%CORE):

تعداد اعضای هسته اصلی تیم مدیریت (Σ CORE)

$$100 \times \frac{\text{تعداد اعضای تیم مدیریت (Σ TMT)}}{\text{تعداد اعضای هسته اصلی تیم مدیریت (Σ CORE)}} =$$

تعداد اعضای تیم مدیریت (Σ TMT)

مدیریت (%PCPA):

تعداد اعضای عضو جامعه حسابداران رسمی ایران در تیم مدیریت (Σ PCPA)

$$100 \times \frac{\text{تعداد اعضای تیم مدیریت (Σ TMT)}}{\text{تعداد اعضای عضو جامعه حسابداران رسمی ایران در تیم مدیریت (Σ PCPA)}} =$$

تعداد اعضای تیم مدیریت (Σ TMT)

متغیر کنترلی:

(OPCY): چرخه عملیاتی شرکت میانگین دوره پرداخت وجوه برای تولید و دریافت وجه از فرو شها است

A_DNI: تغییرات در درآمدها نسبت به سال قبل

SIZE اندازه شرکت که از لگاریتم کل دارایی ها بدست می آید.

SG_F: درصد تغییرات در فروش نسبت به سال قبل

BM: ارزش دفتری تقسیم بر کل دارایی ها

LEV: اهرم مالی از تقسیم بدهی بر دارایی بدست می آید.

CR: دارایی های جاری تقسیم بر بدهی های جاری

BIG4: اگر حسابرس عضو سازمان حسابرسی باشد یک در غیر اینصورت صفردر نظر گرفته می شود.

جامعه آماری

جامعه تحقیق شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران خواهد بود. داده ها برای دوره مالی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ جمع آوری

خواهد شد. نمونه تحقیق با استفاده از روش حذف سیستماتیک ۱۴۱ شرکت می باشد.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

در انجام این تحقیق، آزمون های آماری استفاده شده که در ادامه به تفصیل تشریح می شود. به منظور توصیف وضعیت داده ها در

نمونه از آمار توصیفی استفاده می گردد و برای تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها از رگرسیون چند متغیره مبتنی بر داده های پانل

استفاده می شود. برای تلخیص داده ها از نرم افزار Excel و برای انجام آزمون های آماری لازم از نرم افزار Eviews استفاده شده است و

آزمون های متعدد پیش فرض صحت مدل ها نظیر آزمون ریشه واحد، چاو و هاسمن قبل از اجرای مدل مورد استفاده قرار می گیرد و جهت

بررسی صحت کلی از آماره F و احتمال مربوط به آن و جهت بررسی رابطه ی هر متغیر با تونل زنی مالی از آماره t و احتمال آن استفاده می گردد. در ضمن آماره دوربین- واتسون به منظور بررسی خودهمبستگی جملات خطا بکار می رود و از سایر آزمون های صحت مدل نیز بطور مناسب استفاده خواهد شد. کلیه آزمون ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد انجام خواهد.

آزمون فرضیه ها

آزمون فرضیه اول

جدول (۱) نتایج حاصل از تخمین مدل اصلی تحقیق

REM = $\alpha_0 + \alpha_1 TMT_{it} + \alpha_2 OPCY_{it} + \alpha_3 ADN_{it} + \alpha_4 SGF + \alpha_5 SIZE_{it} + \alpha_6 LEV_{it} + \alpha_7 CR_{it} + \alpha_8 BM_{it} + \alpha_9 BIG4 + \epsilon_{it}$			
متغیر	ضریب برآوردی	آماره t	احتمال
تخصص تیم مدیریت	-0.004710	-1.681251	0.0032
اندازه شرکت	0.006703	1.507255	0.1322
تغییرات فروش	0.015118	1.375161	0.1695
چرخه عملیاتی	0.221622	0.957197	0.0388
ارزش دفتری به ارزش بازار	-2.901406	-1.252762	0.0107
اهرم مالی	-0.012876	-0.436634	0.6625
نسبت آنی	0.000633	0.081824	0.9348
نوع حسابر	-0.005990	-0.517469	0.6050
C مقدار ثابت	-0.143242	-2.198856	0.0282
ضریب تعیین	0.612774		
ضریب تعیین تعدیل شده	0.681427		
دوربین-واتسون	1.934942		
آماره F	1.125712		
احتمال (آماره F)	0.000000		

با توجه به اینکه سطح معناداری متغیر مستقل تخصص تیم مدیریت (TMT) برابر با ۰,۰۰۳۲ می باشد که مقدار آن کمتر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین نتایج مدل نشان دهنده آن است که در سطح اطمینان ۹۵٪ متغیر مستقل تخصص تیم مدیریت (TMT) اثر معناداری بر متغیر وابسته مدیریت سود دارد و مدل رگرسیونی تحقیق تایید می گردد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مستقل تخصص تیم مدیریت (TMT) ؛ ۰,۰۰۴۷۱۰- (منفی) می باشد که نشان دهنده ارتباط معکوس می باشد. و طور کلی درخصوص فرضیه اول می توان نتیجه گرفت که بین تخصص تیم مدیریت (TMT) و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. و فرضیه اول پژوهش تایید می شود.

فرضیه فرعی اول: بین درصد اعضای دارای مدرک کارشناسی ارشد و مدیریت واقعی سود ارتباط وجود دارد. مقدار احتمال (یا سطح معناداری) F برابر صفر بوده و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین واتسون 1.934942 می باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی را نشان می دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین نشان می دهد، تقریباً ۵۰٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند.

جدول (۲) نتایج حاصل از تخمین مدل فرعی اول

REM = $\alpha_0 + \alpha_1 PMS_{it} + \alpha_2 OPCY_{it} + \alpha_3 ADN_{it} + \alpha_4 SGF + \alpha_5 SIZE_{it} + \alpha_6 LEV_{it} + \alpha_7 CR_{it} + \alpha_8 BM_{it} + \alpha_9 BIG4 + \epsilon_{it}$			
متغیر	ضریب برآوردی	آماره t	احتمال
اندازه شرکت	0.007303	-1.681251	0.0032

0.1322	1.507255	0.015277	تغییرات فروش
0.1695	1.375161	0.217751	چرخه عملیاتی
0.0388	0.957197	-2.830206	ارزش دفتری به ارزش بازار
0.0107	-1.252762	-0.011183	اهرم مالی
0.6625	-0.436634	0.001422	نسبت انی
0.9348	0.081824	-0.004702	نوع حسابرس
0.0050	-0.517469	0.136300	تعداد اعضای دارای مدرک کارشناسی ارشد تیم مدیریت
0.0282	-2.198856	-0.144070	مقدار ثابت
0.613787			ضریب تعیین
0.702451			ضریب تعیین تعدیل شده
1.927133			دوربین-واتسون
1.216197			آماره F
0.000000			احتمال (آماره F)

با توجه به اینکه سطح معناداری متغیرمستقل درصد اعضای دارای مدرک کارشناسی ارشد تخصص تیم مدیریت (PMS) برابر با ۰,۰۰۵ می باشد که مقدار آن کمتر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین نتایج مدل نشان دهنده آن است که در سطح اطمینان ۹۵٪ متغیرمستقل درصد اعضای دارای مدرک کارشناسی ارشد تخصص تیم مدیریت (PMS) اثر معناداری بر متغیر وابسته سود دارد که این موضوع نشان می دهد مدل رگرسیونی تحقیق تایید می گردد و با توجه به اینکه متغیرمستقل درصد اعضای دارای مدرک کارشناسی ارشد تخصص تیم مدیریت (PMS) ۰,۱۳۶۳۰۰ مثبت می باشد با توجه به موارد فوق متغیرمستقل درصد اعضای دارای مدرک کارشناسی ارشد (PMS) اثر مثبت و معناداری بر مدیریت سود دارد.

فرضیه فرعی دوم: بین درصداعضای هسته اصلی و مدیریت واقعی سود ارتباط وجود دارد
مقدار احتمال (یا سطح معناداری) F برابر صفر بوده و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین واتسون ۱,۹۳۵۷۹۸ می باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی را نشان می دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین نشان می دهد، تقریباً ۶۱٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند.

جدول (۳) نتایج حاصل از تخمین مدل فرعی دوم

REM = $\alpha_0 + \alpha_1 \text{COREit} + \alpha_2 \text{OPCYit} + \alpha_3 \text{ADNlit} + \alpha_4 \text{SGF} + \alpha_5 \text{SIZEit} + \alpha_6 \text{LEVit} + \alpha_7 \text{CRit} + \alpha_8 \text{BMit} + \alpha_9 \text{BIG4} + \epsilon \text{it}$			
متغیر	ضریب برآوردی	آماره t	احتمال
اندازه شرکت	0.006893	1.547575	0.1222
تغییرات در فروش	0.014478	1.312532	0.1898
چرخه عملیاتی	0.220810	0.949405	0.3427
ارزش دفتری به ارزش بازار	-2.900106	-1.230028	0.2191
اهرم مالی	-0.012199	-0.412421	0.6802
نسبت انی	0.000206	0.026646	0.9788
نوع حسابرس	-0.004757	-0.410347	0.6817
تعداد اعضای مدیریت هسته اصلی و کاربردی	0.036223	-0.493806	0.0216
مقدار ثابت	-0.097490	-1.531487	0.1261
ضریب تعیین	0.619112		
ضریب تعیین تعدیل شده	0.702278		

1.935798	دوربین-واتسون
0.800012	آماره F
0.000004	احتمال (آماره F)

با توجه به اینکه سطح معناداری متغیر مستقل درصداعضای هسته اصلی تخصص تیم مدیریت (CORE) برابر با ۰,۰۲۱۶ می باشد که مقدار آن کمتر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین نتایج مدل نشان دهنده آن است که در سطح اطمینان ۹۵٪ متغیر مستقل درصداعضای هسته اصلی تخصص تیم مدیریت (CORE) اثر معناداری بر متغیر مدیریت سود دارد و مدل رگرسیونی تحقیق تایید می گردد و با توجه به اینکه ضریب برآوردی متغیر مستقل درصداعضای هسته اصلی تخصص تیم مدیریت (CORE) ۰,۰۳۶۲۲۳؛ مثبت می باشد در نتیجه می توان نتیجه گرفت بین درصداعضای هسته اصلی و مدیریت واقعی سود ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد

فرضیه فرعی سوم: بین درصد اعضای عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و مدیریت واقعی سود ارتباط وجود دارد. مقدار احتمال (یا سطح معناداری) F برابر صفر بوده و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین واتسون ۱,۹۲۹۴۴۱ می باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی را نشان می دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین نشان می دهد، تقریباً ۰,۷۱۰۱۱۷ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند.

جدول (۴) نتایج حاصل از تخمین مدل فرعی سوم

REM = $\alpha_0 + \alpha_1 CPA_{it} + \alpha_2 OPCY_{it} + \alpha_3 ADNI_{it} + \alpha_4 SGF + \alpha_5 SIZE_{it} + \alpha_6 LEV_{it} + \alpha_7 CR_{it} + \alpha_8 BM_{it} + \alpha_9 BIG4 + \epsilon_{it}$			
متغیر	ضریب برآوردی	آماره t	احتمال
اندازه شرکت	0.007121	1.598388	0.1104
تغییرات در فروش	0.015398	1.396722	0.1629
چرخه عملیاتی	0.202003	0.870708	0.3842
ارزش دفتری به ارزش بازار	-2.750106	-1.166865	0.2437
اهرم مالی	-0.013265	-0.449181	0.6534
نسبت انی	0.000899	0.115803	0.9078
نوع حسابرس	-0.005228	-0.451575	0.6517
اعضای جامعه حسابداران رسمی	-0.049621	-0.975248	0.0298
مقدار ثابت	-0.081650	-1.234149	0.0176
ضریب تعیین	0.710117		
ضریب تعیین تعدیل شده	0.781261		
دوربین-واتسون	1.929441		
آماره F	0.889202		
احتمال (آماره F)	0.000000		

با توجه به اینکه سطح معناداری متغیر مستقل درصداعضای عضو جامعه حسابداران رسمی ایران (CPAt) برابر با ۰,۰۲۹۸ می باشد که مقدار آن کمتر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین نتایج مدل نشان دهنده آن است که در سطح اطمینان ۹۵٪ متغیر مستقل درصداعضای عضو جامعه حسابداران رسمی ایران (CPAt) اثر معناداری بر متغیر وابسته مدیریت سود دارد و مدل رگرسیونی تحقیق تایید می گردد و با توجه به اینکه ضریب برآوردی متغیر مستقل درصداعضای عضو جامعه حسابداران رسمی ایران (CPAt) -۰,۰۴۹۶۲۱ - منفی می باشد. می توان نتیجه گرفت که بین درصد اعضای عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و مدیریت واقعی سود ارتباط معکوس و معناداری وجود دارد.

جدول (۵) جمع بندی فرضیه های

نتیجه گیری	فرضیه تحقیق
معکوس و معنادار	بین تخصص تیم مدیریت و مدیریت واقعی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط وجود دارد.
مثبت و معنادار	بین درصد اعضای دارای مدرک کارشناسی ارشد و مدیریت واقعی سود ارتباط وجود دارد.
مثبت و معنادار	بین درصداعضای هسته اصلی و مدیریت واقعی سود ارتباط وجود دارد.
معکوس و معنادار	بین درصد اعضای عضوجامعه حسابداران رسمی ایران و مدیریت واقعی سود ارتباط وجود دارد.

خلاصه نتایج یافته های تحقیق و مطابقت با تحقیقات پیشین

فرضیه اصلی

بین تخصص تیم مدیریت و مدیریت واقعی سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط وجود دارد. مقدار احتمال (یا سطح معناداری) F برابر صفر بوده و چون این مقدار کمتر از $0/05$ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین واتسون $1,934942$ می باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی را نشان می دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین نشان می دهد، تقریباً 60% تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند. با توجه به اینکه سطح معناداری متغیر مستقل تخصص تیم مدیریت (TMT) برابر با $0,0032$ می باشد که مقدار آن کمتر از $0/05$ می باشد، بنابراین نتایج مدل نشان دهنده آن است که در سطح اطمینان 95% متغیر مستقل تخصص تیم مدیریت (TMT) اثر معناداری بر متغیر وابسته مدیریت سود دارد و مدل رگرسیونی تحقیق تایید می گردد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مستقل تخصص تیم مدیریت (TMT) $-0,04710$ (منفی) می باشد که نشان دهنده ارتباط معکوس می باشد. و طور کلی درخصوص فرضیه اول می توان نتیجه گرفت که بین تخصص تیم مدیریت (TMT) و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. و فرضیه اول پژوهش تایید می شود. که با تحقیقات چانگ یان و همکاران (۲۰۱۶) مطابقت دارد.

فرضیه فرعی اول

بین درصد اعضای دارای مدرک کارشناسی ارشد و مدیریت واقعی سود ارتباط وجود دارد. با توجه به اینکه سطح معناداری متغیرمستقل درصد اعضای دارای مدرک کارشناسی ارشد تخصص تیم مدیریت (PMS) برابر با $0,0050$ می باشد که مقدار آن کمتر از $0/05$ می باشد، بنابراین نتایج مدل نشان دهنده آن است که در سطح اطمینان 95% متغیرمستقل درصد اعضای دارای مدرک کارشناسی ارشد تخصص تیم مدیریت (PMS) اثر معناداری بر متغیر وابسته مدیریت سود دارد که این موضوع نشان می دهد مدل رگرسیونی تحقیق تایید می گردد و با توجه به اینکه متغیرمستقل درصد اعضای دارای مدرک کارشناسی ارشد تخصص تیم مدیریت (PMS) $0,136300$ مثبت می باشد با توجه به موارد فوق متغیرمستقل درصد اعضای دارای مدرک کارشناسی ارشد تخصص تیم مدیریت (PMS) اثر مثبت و معناداری بر مدیریت سود دارد.

فرضیه فرعی دوم

بین درصداعضای هسته اصلی و مدیریت واقعی سود ارتباط وجود دارد. مقدار احتمال (یا سطح معناداری) F برابر صفر بوده و چون این مقدار کمتر از $0/05$ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین واتسون $1,935798$ می باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی را نشان می دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین نشان می دهد، تقریباً 61% تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند. با توجه به اینکه سطح معناداری متغیر مستقل درصداعضای هسته اصلی تخصص تیم مدیریت (CORE) برابر با $0,0216$ می

باشد که مقدار آن کمتر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین نتایج مدل نشان دهنده آن است که در سطح اطمینان ۹۵٪ متغیر مستقل درصداعضای هسته اصلی تخصص تیم مدیریت (CORE) اثر معناداری بر متغیر مدیریت سود دارد و مدل رگرسیونی تحقیق تایید می گردد و با توجه به اینکه ضریب برآوردی متغیر مستقل درصداعضای هسته اصلی تخصص تیم مدیریت (CORE) ۰,۰۳۶۲۲۳؛ مثبت می باشد در نتیجه می توان نتیجه گرفت بین درصداعضای هسته اصلی تخصص تیم مدیریت و مدیریت واقعی سود ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی سوم

بین درصد اعضای عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و مدیریت واقعی سود ارتباط وجود دارد. مقدار احتمال (یا سطح معناداری) F برابر صفر بوده و چون این مقدار کم تر از ۰/۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین واتسون ۱,۹۲۹۴۴۱ می باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی را نشان می دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین نشان می دهد، تقریباً ۰,۷۱۰۱۱۷ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند. با توجه به اینکه سطح معناداری متغیر مستقل درصد اعضای عضو جامعه حسابداران رسمی ایران (CPAt) برابر با ۰,۰۲۹۸ می باشد که مقدار آن کمتر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین نتایج مدل نشان دهنده آن است که در سطح اطمینان ۹۵٪ متغیر مستقل درصد اعضای عضو جامعه حسابداران رسمی ایران (CPAt) اثر معناداری بر متغیر وابسته مدیریت سود دارد و مدل رگرسیونی تحقیق تایید می گردد و با توجه به اینکه ضریب برآوردی متغیر مستقل درصد اعضای عضو جامعه حسابداران رسمی ایران (CPAt) ۰,۰۴۹۶۲۱ - منفی می باشد. می توان نتیجه گرفت که بین درصد اعضای عضو جامعه حسابداران رسمی ایران در تخصص تیم مدیریت و مدیریت واقعی سود ارتباط معکوس و معناداری وجود دارد

پیشنهادهای کاربردی تحقیق

باتوجه به نتایج تحقیقات انجام شده که نشان داد بین تخصص تیم مدیریت و مدیریت سود ارتباط معکوس وجود دارد در نتیجه توصیه می شود که سازوکاری در شرکتهای بورس اعمال شود تا حسابرسان در هر صنعتی که تخصص دارند به انجام خدمات حسابرسی اشتغال ورزند همچنان که مشاهده گردید اعضای مدیریت که مدرک ارشد و همچنین اعضای هسته اصلی مدیریت با مدیریت سود نسبت مستقیم دارند بدین معنا که اعضای هسته اصلی مدیریت نیز اقدام به مدیریت سود می نمایند در این راستا پیشنهاد می شود که به مدیران اصلی سازمان ها نظارت بیشتر شود و فعالیت های مدیران ارشد به دقت بررسی شود و اما مدیرانی که دارای تخصص حسابداری رسمی و عضو سازمان حسابرسی می باشند نسبت آن با مدیریت سود مستقیم می باشد بدین معنی که در شرکتهایی که در درون تیم مدیریت مدیرانی از عضویت سازمان حسابرسی باشد فعالیت های آنها با مدیریت سود نسبت مستقیم دارند.

پیشنهادهایی برای تحقیق های آتی

به منظور انجام تحقیق های آتی در ارتباط با این تحقیق، موضوعات زیر پیشنهاد می شود:

- ۱- بررسی ارتباط بین ویژگی های مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی
- ۲- بررسی ارتباط بین ریسک حسابرسی با تخصص تیم مدیریت و ارائه مجدد صورتهای مالی
- ۳- بررسی ارتباط بین تخصص حسابرسان و مدیریت سود به تفکیک صنایع
- ۴- بررسی ارتباط بین مدیریت واقعی سود و نوع اظهارنظر حسابرسان

منابع و مراجع

- [۱] ابراهیمی کردلر، علی، سیدی، سیدعزیز (۱۳۸۸). نقش حسابرسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری. فصلنامه علمی-پژوهشی بررسیهای حسابداری و حسابرسی، ۱۶(۱).
- [۲] اعتمادی، حسین، مومنی، منصور، فرج زاده دهکردی، حسن. (۱۳۹۱). مدیریت سود، چگونه کیفیت سود شرکت ها را تحت تاثیر قرار می دهد؟. پژوهش های حسابداری مالی، ۴(۲)، ۱۰۱-۱۲۲.
- [۳] انصاری، مهدی (۱۳۸۷). بررسی معیارهای مالی ارزیابی عملکرد مدیریت در ارزش آفرینی برای سهامداران با تأکید بر معیارهای اقتصادی. مجله حسابداری، ۲۰۰: ۱۱-۳.
- [۴] ایمانی، سعید (۱۳۸۹). سازوکارهای حاکمیت شرکتی و بازده سهام. پژوهش های حسابداری مدیریت.
- [۵] آذر، ع و مؤمنی، م (۱۳۸۱)، آمار و کاربرد آن در مدیریت، جلد دوم، انتشارات تهران.
- [۶] بختکی، بهروز (۱۳۸۶). مدیریت سود به وسیله تغییر طبقه بندی اقلام صورت سود و زیان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- [۷] جبارزاده کنگرلویی سعید، محمدزاده سالطه حیدر، بایزیدی انور و مونس خواه غلامرضا (۱۳۸۹). بررسی رابطه مدیریت سود شرکت های گروه (تلفیقی) با بازده سهام شرکت اصلی در بورس اوراق بهادار تهران.
- [۸] حساس یگانه، یحیی (۱۳۸۵). نقش هیات مدیره در حاکمیت شرکتی، مجله حسابداری، ۱۷۴: ۲۶-۲۹.
- [۹] حقیقت، حمید و ایرانشاهی، علی اکبر (۱۳۸۹). بررسی واکنش سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران نسبت به جنبه های پایداری اقلام تعهدی. مجله پژوهشهای حسابداری مالی، سال دوم، شماره سوم، صص ۳۱-۴۸.
- [۱۰] خواجهی، شکرالله و ناظمی، امین (۱۳۸۴). نقش اقلام تعهدی در تشریح و تحلیل کیفیت سود. بررسیهای حسابداری و حسابرسی، ۶۰-۳۷.
- [۱۱] رحمانی، علی و فلاح نژاد، فرهاد (۱۳۸۹). تاثیر کیفیت اقلام تعهدی بر هزینه سرمایه سهام عادی. مجله پژوهشهای حسابداری مالی، سال دوم، شماره سوم، صص ۱۷-۳۰.
- [۱۲] رستائیان، علی (۱۳۸۹). بررسی تأثیر ویژگی های هیات مدیره بر ساختار سرمایه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دو فصلنامه برنامه و بودجه، ۱۱۰: ۱۹۱-۲۰۴.
- [13] Adams, R. B., Almeida, H., & Ferreira, D. (2005). Powerful CEOs and their impact on corporate performance. *The Review of Financial Studies*, 18(4), 1403-1432.
- [14] Adams, R. B., & Ferreira, D. (2009). Women in the boardroom and their impact on governance and performance. *Journal of financial economics*, 94(2), 291-309.
- [15] Ahmed, K., Hossain, M., & Adams, M. B. (2006). The effects of board composition and board size on the informativeness of annual accounting earnings. *Corporate governance: an international review*, 14(5), 418-431.
- [16] Bilimoria, D. (2000). Building the business case for women corporate directors. In *Women on corporate boards of directors* (pp. 25-40). Springer, Dordrecht.
- [17] Brickley, J. A., Coles, J. L., & Jarrell, G. (1997). Leadership structure: Separating the CEO and chairman of the board. *Journal of corporate Finance*, 3(3), 189-220.
- [18] Brunninge, O., Nordqvist, M., & Wiklund, J. (2007). Corporate governance and strategic change in SMEs: The effects of ownership, board composition and top management teams. *Small Business Economics*, 29(3), 295-308.
- [19] Eulerich, M., Velte, P., & van Uum, C. (2014). The impact of management board diversity on corporate performance. An empirical analysis for the German two-tier system. *An Empirical Analysis for the German Two-Tier System (November 8, 2013). Problems and Perspectives in Management (PPM)*, 12, 25-39.
- [20] Chan, K., Chan, L. K., Jegadeesh, N., & Lakonishok, J. (2001). *Earnings quality and stock returns* (No. w8308). National bureau of economic research , Vol. 79, No. 3, PP. 1041-1082.
- [21] Chen, C. J., & Jaggi, B. (2000). Association between independent non-executive directors, family control and financial disclosures in Hong Kong. *Journal of Accounting and Public policy*, 19(4-5), 285-310.